

قرآن و شاخصه‌های اسلام اصیل در مصاف با اسلام انحرافی

محمدرضا ابراهیم‌نژاد*

دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی^(۵)، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۱۹)

چکیده

تاریخ اسلام و جهان نشان می‌دهد که دین اسلام روح حیات را به کالبد بشریت دمید و جامعه انسانی را احیا نمود. اما از آغاز تاکنون همواره دشمنانی وجود داشته که مصمم به نابودی اسلام یا پیشگیری از تأثیرگذاری آن بوده‌اند. بدین منظور، نسخه‌هایی از اسلام غیرواقعی و قرائت‌هایی تحریف شده از اسلام را در برابر اسلام حقیقی و اصیل ارائه نموده‌اند که در آثار و اندیشه امام خمینی^(۵) عنوان مشترک همه آنها عنوان، «اسلام آمریکایی» ذکر می‌شود. وظیفه دفاع از اسلام اقتضا می‌کند که ویژگی‌ها و شاخصه‌های اسلام اصیل در مصاف با «اسلام انحرافی» با استفاده از منابع متقن و نیز متون وحیانی و الهی شناسایی و ارائه گردد تا طرح‌ها و تبلیغات فریبکارانه استعمارگران بر مردم آشکار شود. رهنمودهای حکیمانه امام خمینی^(۵) با تطبیق بر آیات کریمه قرآن، چراغی پرفروغ و نورافکن در این راه است. در پرتو این منابع نورانی، به چند شاخصه دست یافتیم که عدم جدایی از سیاست، استخدام وسیله صالح، فراموشی و منطقه‌ای بودن، استواری و درستی، جامعیت، تمامیت، حمایت مستضعفان و ستیز با مستکبران و ... از جمله آنهاست.

واژگان کلیدی: اسلام اصیل، اسلام انحرافی، شاخصه، قرآن کریم، امام خمینی^(۵).

* E-mail: ebrahimnejad64@yahoo.com

مقدمه

هر کس با تاریخ اسلام و جهان آشنا باشد، می‌داند که اسلام روح حیات و زندگی را در کالبد بشریت دمید و جامعه انسانی را احیا نمود. اما از همان آغاز، همواره دشمنانی وجود داشته‌اند که مصمم به نابودی اسلام بودند و آنجا که از مقابله با اسلام و نابودی آن عاجز و مأیوس گردند، اقدام به پیشگیری از تأثیرگذاری اسلام می‌کنند. در راستای این هدف، از هر روش مناسب استفاده می‌کنند تا آن را به صورت مجموعه‌ای از باورها، آداب سطحی و غیرمؤثر تغییر دهند که در این فرض، دین اسلام، مورد پسند دشمنان نیز خواهد بود. چنین نسخه‌ای از اسلام که در واقع، وسیله مقابله با اسلام اصیل است و با عناوین مختلفی همچون «اسلام اموی»، «اسلام درباری»، «تشیع صفوی» و «اسلام امریکایی» از آن یاد می‌شود، همواره مورد حمایت قدرت‌های فاسد بوده است و به وسیله ایادی و عوامل آنان ترویج شده است. اما از آنجا که اراده خداوند بر دوام و استمرار دین حق و اسلام اصیل تعلق گرفته (التوبه/۳۲)، لازم است در طول زمان، پیوسته مدافعان به وظیفه مهم پاسداری از اسلام بپردازند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۱۳ق: ۱۵-۱۲)، آن را صیقل دهند و شبهه‌زدایی کنند، چراکه مخالفان پیوسته از ابزار ناشناخته و شیوه‌های بی‌سابقه و نسخه‌های جدید از اسلام سطحی و انحرافی بهره می‌جویند (ر.ک؛ الزین، ۱۴۱۱ق، ج ۸: ۱۷۵) و این واقعیت اقتضا می‌کند تا مدافعان و اندیشمندان اسلامی به اهداف، شیوه‌ها و روش‌های دشمن آگاه باشند، امور خاصی را در اولویت دیده، شاخصه‌های جبهه دشمن را به درستی و دقت بشناسند و مغایرت و تباین آنها با شاخصه‌های جبهه الهی و اسلام اصیل را تعیین نمایند و به بیان دیگر، در زمان کنونی به این پرسش اساسی پاسخ دهند که «اسلام اصیل دارای چه شاخصه‌هایی است؟» و به تبع آن، اسلام انحرافی دارای چه تفاوت‌ها و نشانه‌هایی است؟ در این جستار، سعی بر آن است که با روشی تحلیلی - توصیفی در پرتو آیات نورانی قرآن کریم بارزترین شاخصه‌های اسلام کامل، ناب و «اصیل» در مصاف با «اسلام انحرافی»، مهمل، ناقص و به تعبیرهای دیگر، اسلام اموی، صفوی و امریکایی تبیین گردد. نقش ممتاز امام خمینی^(ره) در طرح مسئله اسلام ناب و اسلام امریکایی ایجاب می‌کند که در موارد زیادی از نظر و دیدگاه حکیمانه آن بزرگ بهره جوییم و

بدان استناد کنیم. در آغاز به حسب اولویت، ضرورت طرح موضوع در شرایط کنونی و پیشینه پژوهش، بررسی و آنگاه شاخصه‌ها و امور مربوط به آنها تبیین خواهد شد. ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا اسلام را به اسلام اصیل و اسلام انحرافی (آمریکایی) تقسیم شده است، در حالی که خداوند دین حق را به عنوان «اسلام» معرفی می‌نماید و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ... دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است...﴾ (آل عمران/۱۹). پاسخ این پرسش روشن است؛ بدین ترتیب که در این مقاله هدف ارائه نام و نسخه‌هایی جدید از اسلام نیست، بلکه هدف مقارنه و مقایسه میان نسخه اصلی و منحصر به فرد اسلام با نسخه‌ها و قرائت‌های تحریف‌شده و مخدوش از اسلام است که تاکنون از طرف افراد و جریان‌هایی، به ملت‌ها عرضه شده است. تعداد نسخه‌ها و قرائت‌های انحرافی از اسلام به اندازه‌ای زیاد بوده که امام خمینی^(ع) بارها در سال‌های آخر عمر مبارک خود از آنها نام برده است و عنوان «اسلام آمریکایی» را بر همه آنها نهاده است و در مقابل آن، از دین حق و اسلام حقیقی به عنوان «اسلام ناب» و «اسلام ناب محمدی» نام برده است (ر.ک؛ موسوی خمینی^(ع)، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۳۰). بنابراین، تعبیر «اسلام اصیل» در مقابل اسلام انحرافی و آمریکایی، در واقع، پافشاری و تأکید بر دین حق و اسلام حقیقی و ناب است، چنان‌که بازخوانی شاخصه‌های اسلام اصیل (و اسلام آمریکایی) و ارائه مستندات و حیاتی آنها نیز به اقتضای شیوه‌های مرموز دشمنی و گونه‌های فریبکارانه خصومت با اسلام است.

۱- پیشینه پژوهش

با این وصف، پس از گذشت بیش از دو دهه از رهنمودهای حضرت امام^(ع)، به نظر می‌رسد تلاش علمی و پژوهش کافی در این عرصه انجام نشده است. تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد، مقالات مربوط به این موضوع کمتر از پانزده عدد و همگی بازخوانی کلام و پیام حضرت امام^(ع) است و هیچ طرح پژوهشی، رساله و کتابی جز کتاب *اسلام ناب در کلام و پیام امام*. این کتاب که در ۷ بخش و ۲۰ فصل تدوین شده، عیناً سخنان و نامه‌های امام خمینی^(ع) را در تحلیل و تفسیر ویژگی‌های اسلام ناب و اسلام آمریکایی، حامیان اسلام ناب و حامیان اسلام آمریکایی، دشمنی با اسلام ناب، وظایف مردم برای تحقق اسلام ناب و... تنظیم نموده،

در این عرصه تدوین نشده است، در حالی که اهمیت ذاتی مسئله، انتظار امام راحل و رهنمودهای مقام معظم رهبری - مدّ ظلّه العالی - اقتضا می‌کند که مبانی نظری، فکری و شاخصه‌های اسلام حقیقی و اصیل و در مقابل، اسلام انحرافی یا «اسلام آمریکایی» از آیات قرآن کریم و روایات معصومین به دست آید و به ساحت فکر و اندیشه و نیز فرهنگ جامعه اسلامی عرضه شود. بنابراین، انتظار می‌رود با توجه به محدودیت این نوشتار، نویسنده را نسبت به شمار شاخصه‌های مذکور معذور بدانند.

۲- ضرورت پژوهش

آنچه مایه تأسف است اینکه در طیّ قرون گذشته، اسلام انحرافی با نسخه‌های به ظاهر متفاوت و قرائت‌هایی گوناگون از اسلام، بر فرهنگ، اندیشه و زندگی اکثریت امت اسلامی، سیطره و احاطه داشته است و اسلام اصیل به لحاظ وجود کتبی (مندرج در کتاب و سنت) در حالت استتار و به لحاظ وجود عینی، در حالت تقیّه و نیز محدوده زندگی فردی و خانوادگی به حیات خود ادامه داده است. پیروزی انقلاب اسلامی به حق انفجار نور و تجدید ظهور اسلام ناب و اصیل بود که در ایران اتفاق افتاد. دشمنان دیرینه اسلام و دولت‌های استعمارگر که نسبت به پیروزی انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلام غافل‌گیر شده بودند، به سرعت اقدام به شناسایی نیروی محرکه انقلاب، یعنی اسلام ناب و اصیل نمودند و آنگاه مقابله با آن را امری اجتناب‌ناپذیر دانستند. آنان به تجربه دریافتند که مناسب‌ترین عامل برای غلبه بر اسلام اصیل یا تضعیف، منزوی کردن و از اثر انداختن آن، همانا مواجه نمودن آن با اسلام آمریکایی است؛ عاملی که بیشترین سود و کمترین هزینه را برای استعمارگران و شدیدترین ضربه‌ها و آسیب‌ها را بر اسلام حقیقی و امت اسلامی خواهد داشت. بدیهی است که در چنین شرایطی، توجه دادن مردم به وضعیت موجود و مقابله اسلام اصیل با اسلام انحرافی، امری لازم بلکه ضروری است. ضرورت پرداختن به این بحث، همواره پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران وجود داشت و احساس می‌گردید و بنیانگذار انقلاب، حضرت امام خمینی^(ع)، به خصوص در سال‌های آخر عمر شریف خود بر ضرورت و اهمیت شناختن و شناساندن ویژگی‌های اسلام ناب محمدی و تعیین مرزهای آن با اسلام آمریکایی تأکید می‌نمودند و اینگونه دردمندی

خود را از آگاه نبودن ملت‌ها نسبت به مسئله ابراز می‌نمودند: «... متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی، مرز بین اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی و اسلام پابرهنگان و محرومان، اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرقه‌بین بی‌درد کاملاً مشخص نشده است و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین، دو تفکر متضاد و متقابل وجود داشته باشد، از واجبات سیاسی بسیار مهم است... وظیفه همه علماست که با روشن کردن این دو تفکر، اسلام عزیز را از ایادی شرق و غرب نجات دهند» (همان: ۸ و همان، ۱۳۷۹: ۶۴۴).

اما در حال حاضر، ضرورت تبیین این مسئله مضاعف و به مراتب بیشتر است؛ زیرا در پرتو بیداری ملت‌های اسلامی و ملت‌های جهان سوم و بر اثر ضربه‌های سختی که قدرت‌های استعمارگر، از ناحیه انقلاب اسلامی و ملت مسلمان ایران تحمل نموده‌اند و بخش اندکی از کارآیی و ظلم‌ستیزی اسلام ناب و اصیل را به تجربه پی برده‌اند، شگردها و روش‌هایی بس پیچیده در پیش گرفته‌اند و با اقداماتی چندمنظوره همچون انهدام اسلام با نام اسلام (ر.ک؛ همان، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۸، ۵۹ و ۱۷۱) و تضعیف مسلمانان به وسیله مسلمانان، در مقابل اسلام ناب ایستاده‌اند (ر.ک؛ همان: ۸، ۵۹ و ۱۱۳).

۳- شاخصه‌های اسلام اصیل

۳-۱) شاخصه جامعیت و سیاست

جامع و کامل بودن یکی از شاخصه‌های بارز اسلام اصیل است، در حالی که اسلام انحرافی محدود، ناقص، نارسا و ناتمام است. این مسئله ابعاد گوناگونی دارد که به لحاظ اولویت و اهمیت بُعد سیاسی آن را مقایسه و تبیین می‌کنیم.

۳-۱-۱) اسلام اصیل آمیخته با سیاست

اسلام حقیقی و اصیل به گونه‌ای است که باورها، بینش‌ها و رفتارهای سیاسی جزء لاینفک و جدانشدنی آن است، به گونه‌ای که نمی‌توان باورها، بینش‌ها و رفتارهای اسلام را از سیاست جدا نمود. اگر بُعد سیاسی نباشد، اسلام نیست. در اینجا مجال و نیازی نیست که

معنای لغوی و یا اصطلاحی واژه «سیاست» و نسبت آن را با معنای واژه «اسلام» مقایسه کنیم؛ زیرا هدف ما و نیز معنای صحیح سیاست در فرهنگ جامعه اسلامی، تدبیر، اداره، سرپرستی و مدیریت جامعه اسلامی است و آیین‌نامه مطلوب و عالی سیاست - در تمام ابعاد و مراتب آن - در منابع نظری و معرفتی اسلام و نیز سیره و سنت پیشوایان الهی مندرج و فراگیر است. از باب نمونه، آیات زیر بخشی از جنبه‌های سیاسی اسلام را بازگو نموده است.

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ
وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ
إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ هر نیرویی در توان دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان] آماده
سازید و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن
خویش را بترسانید؛ و (نیز) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را
می‌شناسد؛ و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به‌طور کامل به شما
بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد ﴿(الأنفال / ۶۱-۶۰).

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ
يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَقُوا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي
الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ کيفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و
اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله
می‌برند)، فقط این است که اعدام شوند، یا به دار آویخته گردند، یا (چهار انگشت از) دست
(راست) و پای (چپ) آنها، برعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این
رسوایی آنها در دنیا است و در آخرت (نیز) مجازات عظیمی دارند ﴿(المائدة / ۳۳).

معمار بزرگ انقلاب اسلامی نیز دخالت در امور سیاسی را نه تنها مغایر تعالیم اسلام
نمی‌دانست، بلکه آن را وظیفه‌ای اسلامی و تکلیف شرعی همگان می‌شمرد: «ما مکلفیم به
اینکه در امور دخالت کنیم. ما مکلفیم در امور سیاسی دخالت کنیم. مکلفیم شرعاً، همان‌طور
که پیغمبر^(ص) کرد، همان‌طور که حضرت امیر^(ع) می‌کرد... این حرف‌ها که دین از سیاست

جداست و امثال این حرف‌ها، در منطق اسلام نیست. فعالیت سیاسی یکی از وظایف مذهبی مسلمانان است... حرف ما این است که نه روحانی تنها، همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند» (موسوی خمینی^(۵)، ۱۳۷۹: ۱۴۰).

۳-۱-۲) اسلام انحرافی، اسلام بدون سیاست

برخلاف اسلام اصیل، اسلام انحرافی و آمریکایی اسلامی است که ممکن است حداکثر به عنوان وسیله و ابزاری در خدمت سیاست نامشروع و سیاست شیطنانی قرار گیرد، اما فاقد سیاست و جدا از سیاست است و در نتیجه، هیچ گونه تصادم و تضادی با اهداف و منافع قدرت‌های سلطه‌گر و استعمارگران نخواهد داشت. اسلامی است که به آداب و سنن عبادی فردی و توصیه‌های اخلاقی محدود می‌گردد و در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فرد و جامعه تأثیرگذار نیست.

این نسخه تحریف‌شده و قرائت ناصحیح از اسلام، نوعاً به وسیله حکومت‌های استبدادی و قدرت‌های استعماری ترویج می‌گردد و عوامل آنان در پوشش تبیین، تفسیر و تبلیغ اسلام مروج آن هستند. علی عبدالرزاق نمونه‌ای از این دسته افراد است. وی در کتاب خود به نام *الإسلام و اصول الحكم* می‌کوشد تا از زوایای مختلف، اسلام بدون سیاست را تصویر و تثبیت کند و در نهایت، از منظر یک عالم و نویسنده مدرسه خلافت این گونه نتیجه می‌گیرد: «حقیقت آن است که دین اسلام از خلافتی که مسلمانان می‌شناسند، مبراست و نیز از تمام آنچه پیرامون مسئله خلافت از ترس و امید، عزت و اقتدار مهیا نموده‌اند، مبراً می‌باشد و خلافت به هیچ وجه از جمله طرح‌ها و برنامه‌های دینی نیست. مسئله قضاوت و امثال آنها از وظایف نظام حکومت و مراکز دولتی هیچ یک از طرح‌های دین نیست و تمام این امور، طرح‌هایی صرفاً سیاسی است که دین هیچ نقشی در آنها ندارد» (عبدالرزاق، ۱۹۹۳م: ۱۱۲).

امام خمینی^(۶) توجه و دقت خاصی نسبت به خطرهای این جریان انحرافی داشت، لذا از یک سوی، منادی اندیشه سیاسی اسلام بود و از سوی دیگر، در مورد اسلام بدون سیاست هشدار می‌داد: «اگر همه شما با هم نباشید و از باطن بیوسید، شک نکنید که بعد از چندی همان مسائل سابق به یک صورت بدتری پیش خواهد آمد. همان اسلام شاهنشاهی دوباره

برمی‌گردد. آنها می‌دانند که باید بگویند اسلام. آمریکا هم برای اسلام دلش می‌سوزد، اما اسلام آمریکایی در زمان شاه هم بود؛ اسلام آمریکایی بود. کسی حق نداشت دخالت در هیچ امری بکند. اسلام آمریکایی این بود که ملاًها باید بروند درشان را بخوانند. چه کار دارند به سیاست؟!» (موسوی خمینی^(۵)، ۱۳۷۹: ۳۵۴). همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «آبرقدرتها و حکومت‌های وابسته به آنان با اسلام شاهنشاهی و مَلکی مخالف نیستند، بلکه بی‌شک آن را تأیید نیز می‌کنند. اسلامی که به وسیلهٔ ایادی ابلیسی خود و جهان به صورتِ عالم عرضه شود که علمای اسلام و مسلمانان نباید در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین دخالت کنند...» (همان).

۳-۲) فراتر از ملیت و مکان

ویژگی دیگر اسلام اصیل، فراملی و نیز فرامنطقه‌ای بودن آن است. اسلام در عین آنکه به حقوق و تعهدات انسان‌ها احترام می‌گذارد و از هر گونه ستم و تجاوز میراست، دینی است فراملی و فرامنطقه‌ای و منحصر به قوم، ملت، نژاد و یا قاره و منطقه‌ای از جغرافیای زمین نیست، بلکه دین همگان و همه‌جا است. این خصوصیت اسلام اصیل، آن را از اسلام‌های آمریکایی متمایز می‌سازد و نشانهٔ خوبی است در شناسایی نغمه‌ها، شعارها و مواضعی که دولت‌ها، جریان‌های فکری، فرقه‌های مذهبی، گویندگان و نویسندگان به نام اسلام عرضه می‌کنند. علما و صاحب‌نظران اصیل اسلام به این شاخصه توجه دارند، چراکه این امر تمام احکام، فرهنگ و اصول اسلام را فراگیر است. پیش از ارائهٔ نمونه‌های قرآنی، فرازی از کلام امام خمینی^(۶) در این باب را ذکر می‌کنیم. ایشان می‌فرماید: «اسلام راجع به اجتماع هم نظر دارد. مسائلی دارد که مربوط به همهٔ بشر است. هیچ مملکتی دین مملکتی نیست. اسلام این طور نیست که یک مملکت داشته باشد به اسم ایران مثلاً یا به اسم عراق یا به اسم کذا. این جورها نیست. تمام عالم تحت نظرش هست؛ یعنی نظر اسلام به این بوده است که بشر بسازد؛ تمام بشر را. هیچ قوم و خویشی با یک‌قطبی و دوقطبی ندارد. با شرق یا غرب، با شمال و جنوب، با جایی هیچ قوم و خویشی ندارد. یک دین الهی است. همان‌طوری که خدای تبارک و تعالی خدای همه است، نه خدای شرقی‌ها و مسلمان‌ها یا غربی‌ها یا مسیحی‌ها یا

یهودی‌ها. این‌طور نیست. خدای همه است و نسبت به همه رازق است و عرض می‌کنم - خالق است و اینها. اسلام هم یک دینی است مال همه؛ یعنی آمده است که همه بشر را به این صورتی که می‌خواهد درآورد...» (همان، ۱۳۶۹، ج ۳: ۲۳- ۱۲۲ و ر.ک؛ همان، ۱۳۷۹: ۵).

امام خمینی^(ع) در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود نیز بر فراموشی بودن اسلام اصیل تأکید فرموده است و از ملت‌های مسلمان جهان خواسته است که در تحقق عینی این امر بکوشند: «و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان! به پا خیزید و... همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است» (همان، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۲۰۳).

بررسی قرآن کریم نشان می‌دهد که خداوند این امر را گاهی به اشاره و گاهی به صراحت یادآور شده است. آیات ذیل نمونه‌هایی از این واقعیت است:

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند. پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش؛ آن پیامبر درس‌نخوانده‌ای که به خدا و کلمات او ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید ﴿(الأعراف / ۱۵۸).

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما بعضی دیگر را - غیر از خدای

یگانه - به خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت)، سرباز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم ﴿آل عمران / ۶۴﴾.

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ *... * ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾: آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند؟! (آیین او همین اسلام است) و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیم هستند، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند. *... * و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است ﴿آل عمران / ۸۵ و ۸۳﴾.

در مقایسه بین این شاخصه‌ها می‌توان گفت فراملی و فرامنطقه‌ای بودن اسلام از ظاهرترین و بارزترین شاخصه‌هایی است که مرز اسلام اصیل را از غیر آن جدا می‌سازد. پیامبر گرامی اسلام با صراحت و با تأکید هر گونه مفاخره با نژاد، قومیت و ملیت را نفی فرمود و «تقوای الهی» را یگانه ملاک ارزش و برتری حقیقی شمرد (ر.ک؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷: ۲۳۹). امیرمؤمنان، علی^(ع)، که در دوران فتنه‌ها و رواج دوباره نژادپرستی جاهلیت در لقاۀ اسلام، زمام امور را به دست گرفت، در تقسیم مساوی بیت‌المال و در پاسخ به اعتراض برخی به این امر، افراد مسلمان را - از عرب و عجم، نژاد اسماعیل و اسحاق - یکسان دید و فرقی میان آنان نیافت (ر.ک؛ ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۸۲: ۳۳۶). بنابراین، هر گونه منطق و نغمه‌ای که به نام اسلام بخواهد اسلام را مخصوص و محدود به ملت و نقطه‌ای از جهان سازد، منطق اسلام آمریکایی و نغمه شیطان است.

۳-۳ استواری و درستی

قرآن کریم در معرفی اسلام یا معرفی دین به ذکر لفظ «اسلام» یا لفظ «دین» اکتفا ننموده است، بلکه اگر در جایی مثل آیه ۱۹ سورة آل عمران لفظ اسلام را آورده، در آیات دیگر برای آن ویژگی‌هایی ذکر فرموده است تا جای تردید و نیز فرصت سوء استفاده برای

معاندان و دشمنان خدا در تفسیر غلط از دین اسلام باقی نماند. از ویژگی‌هایی که قرآن برای اسلام بیان نموده، استواری و درستی آن است. این ویژگی به دو صورت ایجابی و سلبی در قرآن بیان شده است؛ یعنی در برخی آیات از اسلام به عنوان دین «قیم» یاد نموده است. از باب نمونه می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدِّعُونَ: رُؤْيُ خُودِ رَا بَه سُوِي آيِيِنِ مُسْتَقِيْمِ وَ پَايِدَارِ بَدَارِ، پِيْشِ اَز اَنَكِه رُوزِي فِرَا رِسِدِ كِه هِيْجِ كَسِ نَمِي تُوَانِدِ اَن رَا اَز خُدا بَا زِگَرْدَانِد. دَر اَن رُوزِ مِرْدَمِ بَه گِرُوه‌هَائِي تَقْسِيْمِ مِي شُونِد﴾ (الرُّوم/ ۴۳). همچنين می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: پَس رُويِ خُودِ رَا مُتَوَجِّه آيِيِنِ خَالِصِ پُرُورْدِگَارِ كِن. اِيْنِ فِطْرَتِي اِسْتِ كِه خُداوَنِد اِنْسَانِ هَا رَا بَرِ اَن اَفْرِيْدَه اِسْت؛ دِگَرگُونِي دَر اَفْرِيْنِشِ الهِي نِيْسْت. اِيْنِ اِسْتِ آيِيِنِ اسْتُوَارِ، وَلِي اَكْثَرِ مِرْدَمِ نَمِي دَانِنْد﴾ (الرُّوم/ ۳۰).

در چند مورد دیگر نیز مانند آیه ۳۶ سوره توبه، آیه ۴۰ سوره یوسف، عنوان «دین قیم» ذکر شده که استواری و درستی را برای اسلام یادآور شده است. در پاره‌ای از آیات به صورت غیرمستقیم این ویژگی را اشاره فرموده است؛ یعنی دین خدا و قرآن کریم را وارسته و منزّه از «اعوجاج»، کجی و انحراف برشمرده است. در یک آیه چنین آمده است: ﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ: هَمَانِ هَا كِه (مِرْدَمِ رَا) اَز رَاهِ خُدا بَا زِمِي دَارِنْدِ وَ رَاهِ حَقِّ رَا كِجِ وَ مَعُوجِ نِشَانِ مِي دِهِنْدِ وَ بَه سِرَايِ اَخْرَتِ كَا فِرِنْد﴾ (هود/ ۱۹).

این آیه چنین تفسیر شده است: «آنها مخصوصاً سعی دارند راه مستقیم الهی را کج و معوج نشان دهند؛ یعنی با انواع تحریف‌ها، کم و زیاد کردن، تفسیر به رأی و مخفی ساختن حقایق چنان می‌کنند که این صراط مستقیم به صورت اصلی خود در نظرها جلوه‌گر نشود تا مردم نتوانند از این راه بروند و افراد حق طلب جاژه اصلی را پیدا نکنند» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۹: ۶۱). از بحثی که در این دو آیه (آیه مذکور و پیش از آن) ذکر کردیم، معلوم شد که «دین در عرف قرآن عبارت است از اولاً سنت اجتماعی که در بین مجتمع دائر است و ثانیاً سنن اجتماعی. یا عبارت است از دین حق و فطری یعنی اسلام و یا دینی که از

دین حق و راه خدا منحرف شده باشد و به کژی گراییده باشد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۱۹۵). شایان توجه است که بر اساس این تفسیرها، افراد و گروه‌هایی همواره تلاش می‌کنند قرائت‌ها و نسخه‌های تحریف‌شده و گمراه‌کننده‌ای از دین حقیقی، اصیل و ناب الهی را به مردم ارائه نمایند. آیات دیگری به همین مضمون در قرآن کریم وجود دارد که برای رعایت اختصار از ذکر آنها صرف نظر گردید (ر.ک؛ ابراهیم/۳؛ الأعراف/۴۵ و ۸۶؛ الکهف/۱؛ آل عمران/۹۹ و الزمر/۲۸).

۳-۴ ویژگی و شاخصه تمامیت

شاخصه دیگر اسلام اصیل و تمایز آن با اسلام انحرافی «تمامیت» و تجزیه‌ناپذیری آن است. در اسلام اصیل، تمام ابعاد و اصول نظری و نیز ابعاد و بخش‌های عملی و رفتاری، مرتبط و وابسته به یکدیگرند و تأثیرگذاری هر بخش و هر جزء منوط به بقیه اسلام است و انسان مسلمان و جامعه اسلامی آنگاه می‌توانند مدعی مسلمانی باشند و زندگی سعادت‌بخشی را تجربه کنند که به صورت متوازن تمام ابعاد اسلام را بپذیرند و بدانها عمل کنند. قرآن کریم از زوایه‌های مختلف به بیان این شاخصه پرداخته است. در برخی آیات قرآن، از طریق معرفی عقیده و سیره پیامبر (ص) و مؤمنان، این امر بازگو شده است و در برخی آیات، عقیده، سیره و رفتار گروه‌هایی از منکران اسلام که اقدام بر تفکیک و تجزیه ابعاد و احکام اسلام می‌نمودند، مورد نکوهش قرار گرفته است. نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم بدین صورت است:

﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾
پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می‌باشد) و همه مؤمنان (نیز) به خدا، فرشتگان او، کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند؛ (و می‌گویند): ما در میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم)؛ و (مؤمنان) گفتند: ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را (خواه‌انیم) و بازگشت (ما) به سوی توست ﴿البقره/۲۸۵﴾.

- ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا * أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا * وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾: کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند و می‌خواهند میان خدا و پیامبران تبعیض قائل شوند و می‌گویند: به بعضی ایمان می‌آوریم و بعضی را انکار می‌کنیم، و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند... * آنها کافران حقیقی هستند و برای کافران مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم. * (ولی) کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آورده‌اند و میان هیچ یک از آنها فرق نمی‌گذارند، پاداششان را خواهد داد. خداوند آمرزنده و مهربان است ﴿(النساء/ ۱۵۲- ۱۵۰).

- ﴿كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ * الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ * فَوَرَبِّكَ لَنَسَأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾: (ما بر آنها عذابی می‌فرستیم) همان‌گونه که بر تجزیه‌گران (آیات الهی) فرستادیم؛ * همان‌ها که قرآن را تقسیم کردند (و آنچه را به سودشان بود، پذیرفتند و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود، رها کردند). * به پروردگارت سوگند! (در قیامت) از همه آنها سؤال خواهیم کرد، * از آنچه عمل می‌کردند! ﴿(الحجر/ ۹۳- ۹۰).

یکی از قرائت‌ها و گونه‌های اسلام آمریکایی، اسلام التقاطی، تجزیه‌ای و گزینشی است که در تقابل با تمامیت اسلام اصیل قرار دارد. از آیات فوق روشن گردید که در عصر نزول قرآن، افراد و جریان‌هایی از سنخ اسلام التقاطی وجود داشته است. باید توجه داشت که در زمان ما و عصر حاضر نیز چنین پدیده‌ای وجود دارد. در آغاز انقلاب اسلامی، یک جریان فکری و انحرافی که ضربه‌های سنگینی و قربانیان زیادی را برای ملت بزرگ ایران باعث شد، مدعیان اسلام التقاطی بودند که برخی از اسلام و قرآن را تأیید می‌نمودند و بعضی را تخطئه می‌کردند. آیات و احکام جهاد با طاغوت و قدرتمندان ستمگر را همواره شعار خود قرار می‌دادند، اما آیات مربوط به مالکیت، اقتصاد و... را نارسا می‌شمردند. امام خمینی^(ع) این‌گونه از اسلام‌مداری و مسلمانی را به اندازه‌ای زیانبار می‌دانستند که خطر آنان را به ملت‌های حال و آینده یادآوری نمودند: «من به همه ملت این سفارش را می‌کنم و به همه ملت‌هایی که در

دنیا هستند، سفارش می‌کنم؛ به همه ملت‌هایی که در آتیه خواهند آمد، سفارش می‌کنم... این جملاتی که این اشخاص منحرف در اینجا ذکر می‌کنند... این جملات نه این است که اینها به اسلام عقیده دارند... اینها می‌خواهند با شمشیر اسلام، اسلام را از بین ببرند... مسئله این است که قرآن را به بازی می‌گیرند. اینکه یک کلمه از قرآن را می‌گیرد و به باقیش می‌گوید، من کار ندارم، می‌گوید از نهج البلاغه این کلمه‌اش را قبول دارم، باقیش را قبول ندارم. از قرآن یک کلمه‌اش را، یک جمله را می‌گیرد، اما نمی‌داند که این جمله مفسر دارد. در خود قرآن تفسیر دارد. اینها نمی‌فهمند یا بسیاریشان هم فهمیده هستند، لکن می‌خواهند اساس را از بین ببرند، احکام اسلام را یکی یکی می‌خواهند از بین ببرند» (موسوی خمینی^(۶)، ۱۳۷۹: ۵۵۶).

۳-۵) نجات مستضعفان و ستیز با مستکبران

نجات مستضعفان و محرومان و دوری از مستکبران ویژگی بارز و شاخصه دیگری از اسلام اصیل است. این خصوصیت در تمام ابعاد نظری و عملی اسلام حقیقی وجود دارد، به گونه‌ای که می‌توان هر دعوت و شعار، هر گوینده، هر گروه و فرقه و جریان اجتماعی و سیاسی را که به نام اسلام، وارد صحنه شده است و فرامی‌خواند، شناخت که منادی چه اسلامی است؟! اگر در نظر و عمل در جانب مستضعفان و محرومان قرار می‌گیرد و به فکر نجات دادن و یاری رساندن به آنهاست. می‌توان او را منادی اسلام اصیل دانست و اگر غیر از این است و در منش، گفتار، رفتار، سلوک و موضع‌گیری، گرایش به اشرافیت، اشراف و مستکبران دارد، بدون تردید منادی اسلام انحرافی است. تحقیق و بررسی در آیات قرآن کریم و سیره پیشوایان الهی و پیروان راستین آنان نشان می‌دهد که همواره در طول تاریخ دو جبهه مستکبران و مستضعفان در مقابل یکدیگر بوده‌اند و رهبران اسلام اصیل با مستضعفان و محرومان همراه بوده‌اند و مستضعفان به آنان پناه برده‌اند و چشم امید داشته‌اند. آنگاه که پیامبر بزرگ الهی، حضرت نوح^(۷)، مردم را دعوت نمود. سردمداران جامعه، از پذیرش دعوت او سر باز زدند و علت روی گردانی خود را پیروی و گرایش طبقات محروم جامعه نسبت به نوح^(۷) ذکر کردند:

﴿قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ﴾ * قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ * وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ: گفتند: آیا ما به تو ایمان بیاوریم، در حالی که افراد پست و بی‌ارزش از تو پیروی کرده‌اند؟! * (نوح) گفت: من چه می‌دانم آنها چه کاری داشته‌اند! * حساب آنها تنها با پروردگار من است، اگر شما می‌فهمیدید! * و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد ﴿(الشعراء/ ۱۱۴-۱۱۱ و نیز، رک؛ هود/ ۲۸).

حمایت از مستضعفان و محرومان در سیره، رهبری و مدیریت پیامبر گرامی اسلام (ص)، در بالاترین سطح وجود داشت. قرآن کریم این شاخصه و ویژگی را به صراحت تمام بیان نموده است:

﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا: با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند و تنها رضای او را می‌طلبند؛ و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برنگیر؛ و از کسانی که قلب آنان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن؛ همان‌ها که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است﴾ (الکهف/ ۲۸).

﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ: کسانی را که صبح و شام خدا را می‌خوانند و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن؛ نه چیزی از حساب آنها برتوست و نه چیزی از حساب تو بر آنها! اگر آنها را طرد کنی، از ستمگران خواهی بود﴾ (الأنعام/ ۵۲).

جانب‌داری از مستضعفان و ستیز با مستکبران در سطوح مختلف و شعاع‌های متفاوت امکان‌پذیر است. مواجهه اسلام اصیل که منادی نجات ستم‌دیدگان و محرومان است، با اسلام‌های آمریکایی در تمام عرصه‌ها وجود دارد. اسلام اصیل، همان‌گونه که در درون جامعه

قبیله‌ای کوچک به اطعام درماندگان مسکین، یتیم و اسیر می‌پردازد (الإنسان / ۸)، در سطح فراقبیل‌های و فراملی به دفاع از اقوام و ملت‌های ستمدیده و در بند، اهتمام دارد و از حمایت و رهایی بخشیدن به آنان چشم نمی‌پوشد (النساء / ۷۵)، اسلام‌های آمریکایی نیز به اقتضای خوی طاغوتی و خصلت فرعون‌ی در خدمت دنیاپرستان، سرمایه‌داران و ستم‌پیشگان قرار دارند. ویژگی‌های جانبداری از مستضعفان در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز منعکس شده است و اصل سوم آن، نظام اسلامی را موظف به «حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» نموده است (ر.ک؛ مدنی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۱۳).

تفسیر دقیق‌تر و روشن‌تر این شاخصه در کلام و پیام امام خمینی^(ع) مشهود است: «إن شاء الله مردم سلحشور ایران کینه و خشم انقلابی و مقدس خویش را در سینه‌ها نگه دارند و شعله‌های ستم‌سوز آن را علیه شوروی جنایتکار و آمریکای جهان‌خوار و اذنباب آنان به کار خواهند گرفت تا به لطف خداوند بزرگ، پرچم اسلام ناب محمدی^(ص) بر بام همه عالم قد برافرازد و مستضعفان و پابرهنگان و صالحان، وارثان زمین گردند» (موسوی خمینی^(ع)، ۱۳۷۹: ۱۴۹)؛ «اسلام از اول برای همین امر قیام کرده است که به این مستمندان عالم در مقابل ستمگران خدمت کند و این ستمگران را به جای خود بنشانند... اسلام می‌خواهد مستضعفین را یاری دهد تا سرنوشت خود را به دست گیرند» (همان: ۳۰۰).

حضرت امام^(ع) در ارزیابی هنر و هنرمندان، معیار ارزش را خدمت هنرمندانه به اسلام محرومان و مبارزه هنرمندانه با اسلام سرمایه‌داران و... قرار داده است: «... تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل‌دهنده اسلام ناب محمدی، اسلام ائمه هدی، اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه‌خوردگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت‌ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن، کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرقه‌پین بی‌درد و در یک کلمه، اسلام آمریکایی باشد» (همان، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۳۰).

۳-۶) استخدام وسیله صالح

نمونه دیگر از شاخصه‌های بارز اسلام اصیل، استخدام و بهره‌گیری از «وسیله شایسته و به صورت بایسته» است. در اسلام اصیل و ناب، برای رسیدن به هدف، فقط از وسیله صالح و حق استفاده می‌شود. اما در اسلام‌های مشوب و آمریکایی، برای رسیدن به هدف از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند؛ خواه وسیله صالح و حق باشد، خواه وسیله فاسد و باطل و به عبارت دیگر، وسیله نامشروع باشد.

توجه و تمرکز اسلام بر وسیله شایسته و بهره‌گیری به روش و به گونه بایسته، برخاسته از حقیقت ذاتی اسلام است. در تفسیر و معرفی اسلام، گفته می‌شود که اسلام دین فطرت است؛ یعنی با سرشت تکوینی و شخصیت انسان‌ها و نیز با سنت‌های جاری الهی در نظام خلقت و آفرینش موجودات، همساز و هماهنگ است. دستورالعمل و حکمی در مجموعه احکام و قوانین اسلام وجود ندارد که با اقتضائات فطرت و مصالح انسان و جهان در تضاد و ناسازگار باشد. بر این اساس، یکی از قواعد کلی در نظام فطرت، «سنخیت میان علت و معلول» است. حکما و فلاسفه اتفاق نظر دارند که هر عامل و هر علت، معلول، اثر و نتیجه متناسب و هم‌سنخ با خود را به همراه دارد و به عکس، هر معلول و نتیجه از وسیله و عاملی هم‌سنخ و متناسب با خودش به دست می‌آید - نه از هر علتی و هر سببی - قرآن کریم این قاعده و سنت تکوینی را در عباراتی لطیف و بیاناتی کاربردی و از طریق معرفی مصداق‌هایی عینی یادآور شده است. در یک مورد، سنخیت میان هر سرزمین با گیاهان، میوه‌ها و رویدنی‌های خاص آن را این‌گونه بیان فرموده است: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَآ يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾: سرزمین پاکیزه (و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار)، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید. این‌گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم ﴿(الأعراف / ۵۸). در مورد دیگر، برای ورود به خانه‌ها، استفاده از راه خاص آنها را یادآور شده است و از بیراهه رفتن نهی فرموده است: ﴿... وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا

وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا...: ... کار نیک آن نیست که از پشتِ خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید... ﴿البقره/ ۱۸۹﴾.

این آیه اگرچه به صورت مستقیم به یکی از عادات و رسوم خرافی جاهلیت در مورد حج اشاره نموده است و آنها را از این عمل نهی می‌کند، اما یک معنی وسیع‌تر و عمومی‌تر نیز دارد و آن اینکه برای اقدام در هر کاری، اعم از اعمال مذهبی و غیرمذهبی، باید از طریق صحیح آن وارد شوید، نه از طرق انحرافی، وارونه و غیرعادی، چنان‌که جابر بن عبدالله انصاری همین معنا را از قول امام باقر^(ع) نقل کرده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۵۹ و مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۲: ۷).

این سنت الهی، همان‌گونه که در سراسر جهان آفرینش نافذ و جاری است، در سراسر شریعت اسلام که آیین فطرت است، جریان دارد و برای رسیدن به هدف‌های صحیح و درست باید از وسائل و روش‌های صحیح، شایسته و مشروع استفاده نمود. از سوی دیگر، می‌دانیم که هر انسان در جریان و مسیر زندگی پیوسته هدف‌هایی را تعقیب می‌کند و آنها مختلف و متفاوتند. در یک تقسیم‌بندی، هدف‌های یک انسان مؤمن دو گونه است: هدف‌های شخصی و هدف‌های الهی. البته در نگاهی فراتر، تمام هدف‌های انسان مؤمن، سمت و سوی الهی دارد و همگی به قرب الهی و کسب رضای خداوند منتهی می‌گردد. اما در نگاهی نسبی، برخی هدف‌ها تأمین خواسته‌ها و منافع شخصی است که در کوتاه‌مدت هر کسی آنها را می‌طلبد، در حالی که برخی هدف‌ها تأمین مصالح و منافع دین اسلام، نهادهای دینی، افراد مؤمن و جامعه اسلامی است. بدیهی است که برای دست یافتن به هر هدفی، نیاز به تلاش و استفاده از روش‌ها و ابزار است و بدون آنها موفقیت حاصل نخواهد شد. اما ممکن است تصور شود که استفاده از روش‌های نامشروع و وسیله‌های ناشایست، در کسب منافع فردی و هدف‌های شخصی مذموم است و در راه رسیدن به هدف‌هایی که خدمت به دین خدا یا خدمت به خلق خداست، چون هدف مقدّس است، از هر روش و هر وسیله‌ای می‌توان استفاده نمود.

یکی از شاخصه‌های اسلام اصیل نسبت به غیر آن، همین مسئله است. توضیح اینکه تشخیص اسلام اصیل از اسلام‌های آمریکایی و تشخیص مسلمان اصیل از مسلمان سطحی و

غیراصیل دربارهٔ اهداف شخصی چندان آسان نیست و تفاوت روشنی میان آنها مشاهده نمی‌شود؛ زیرا بسیاری از مردم - حتی افراد غیرمسلمان - استفاده از دروغ، دزدی، ظلم و... را برای رسیدن به منافع شخصی جایز نمی‌دانند... آنچه مهم است و اسلام اصیل را از غیر آن متمایز می‌سازد، روش استخدام وسیله در تعقیب اهداف عالی و مقدس الهی و اسلامی است. در اسلام اصیل، برای تحقق عالی‌ترین اهداف الهی نیز نمی‌توان از حيله‌ها، روش‌ها و شگردهای نامشروع بهره گرفت. اگر سیر تاریخی مصاف میان اسلام اصیل و اسلام‌های امریکایی را مرور کنیم، صحنه‌های زیادی را می‌نگریم که در آنها، اسلام اصیل و غیراصیل در امر استفاده از وسیله از یکدیگر متمایز می‌شدند. برای نمونه:

۱- در امر تبلیغ دین، اسلام غیراصیل از دروغ، جعل حدیث و... استفاده می‌کرد، ولی در اسلام اصیل چنین اقدامی نبوده است.

۲- در امر تثبیت حکومت و قدرت، اسلام غیراصیل از ظلم و ستم و... به مردم استفاده می‌کند و در اسلام اصیل جایز نبود و نیست (ر.ک؛ نهج‌البلاغه / خ ۱۲۶).

۳- در امر تقویت ثبات قدم و عقیدهٔ مردم، در اسلام غیراصیل ممکن است از غفلت و جهالت مردم استفاده شود و این در اسلام اصیل جایز نبود و نیست. پیامبر اسلام (ص) راضی نشد که مسلمانان مدینه در مورد علت پدیدهٔ خورشیدگرفتگی، دچار اشتباه شوند و آن را به فوت فرزند پیامبر نسبت دهند و آنان را به واقعیت آن پدیده آگاه نمود، هرچند ممکن بود باور غلط و اشتباه، دلبستگی و ارادت مردم به پیامبر و خاندان او را تقویت نماید (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۶: ۹۶).

تدبیر در مضامین آیات قرآن کریم و مطالعهٔ بیان‌ها و سیرهٔ عملی پیشوایان معصوم اسلام، این مسئله را به خوبی تبیین می‌نماید. هر کس شناخت اندکی نسبت به پیشوایان معصوم داشته باشد، می‌داند که مهم‌ترین هدف و آرزوی آنان، گرویدن مردم به دین الهی و پیروی از آن بود. این هدف و مقصود، مقدم بر هر چیزی بود، لیکن برای دست یافتن به این هدف نیز متعهد بودند که از وسیله و روشی صالح، شایسته و درست بهره گیرند. التزام پیشوایان به این امر را در متن و تفسیر برخی آیات قرآن کریم همچون آیات زیر می‌بینیم:

- ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. پروردگارت از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است و او به هدایت یافتگان داناتر است ﴿(النحل / ۱۲۵).

- ﴿... وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾: ... و من هیچ گاه گمراه‌کنندگان را دستیار خود قرار نمی‌دهم ﴿(الکهف / ۵۱).

- ﴿... إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾: ... خدا تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد ﴿(المائدة / ۲۷).
شایان ذکر است که تفسیر و کاربردی که امامان معصوم^(ع) در مورد دو آیه اخیر بیان فرموده‌اند، می‌تواند به تبیین بیشتر موضوع کمک کند (ر.ک؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۲۶۸ و مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۱۲: ۴۶۷).

نتیجه‌گیری

- ۱- دشمنان اسلام برای مبارزه با اسلام اصیل و ناب، همواره نسخه‌هایی از اسلام انحرافی و آمریکایی را ترسیم و ترویج نموده‌اند.
- ۲- در قرون متمادی تاریخ، اسلام انحرافی بر عقاید، فرهنگ و مقدرات اکثریت امت اسلامی مسلط و مانع تعالی و پیشرفت مسلمین بوده است.
- ۳- انقلاب اسلامی ایران به مثابه انفجار نور بود که اسلام اصیل را متجلی و در معرض فکر و اندیشه جهانیان قرار داد.
- ۴- تعیین و تبیین شاخصه‌های اسلام اصیل و تفکیک آن از اسلام انحرافی و آمریکایی، وظیفه عالمان و اندیشمندان مسلمان است.
- ۵- شاخصه‌های اسلام اصیل (و اسلام آمریکایی) در آیات قرآن کریم و رهنمودهای حضرت امام خمینی^(ره) معرفی شده است که چند نمونه از مهم‌ترین آنها عبارتند از: جامعیت و

سیاست، فرامشی بودن، تمامیت، استواری و درستی، دفاع از مستضعفان و ستیز با مستکبران، استخدام وسیله صالح و... .

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابراهیمی ورکیانی، محمد. (۱۳۸۲). *تاریخ اسلام*. قم: دفتر نشر معارف.
- الزین، سمیح عاطف. (۱۴۱۱ق.). *تفسیر موضوعی*. ج ۸. بیروت: دار الکتب اللبنانی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *تفسیر المیزان*. چاپ پنجم. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، احمدین علی. (۱۴۱۳ق.). *الإحتجاج*. چاپ اول. تهران: انتشارات اسوه.
- عبدالرزاق، علی. (۱۹۹۳م.). *الإسلام و اصول الحکم*. تونس: دار الجنوب للنشر.
- عروسی الحویزی، علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *نور الثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۹۸۳م.). *بحار الأنوار*. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۶۷). *حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران*. چاپ سوم. تهران: انتشارات سروش.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). *مجموعه آثار*. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۶۹). *تفسیر نمونه*. چاپ ششم. تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیة.
- موسوی خمینی^(ع)، امام روح‌الله. (۱۳۷۹). *اسلام ناب در کلام و پیام*. چاپ پنجم. قم: مؤسسه نشر آثار امام^(ع).
- _____ . (۱۳۶۹). *صحیفه نور*. ج ۲۱. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.